


The Comparative Study of the Linguistic Representation of Shafiei Kadkani and Abd al-Wahhab al-Bayati to Hallaj's Tragedy from the Perspective of Ideational Metafunction

Abdolmajid Jamali  MA in Arabic Language and Literature, Payame Noor University, Abadeh, Iran

Mohammadreza Mirzania  Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Payame Noor University, Abadeh, Iran

Abstract


Halliday's systemic functional theory is a social look at a language which is interwoven with three metafunctional processes. Studying literary texts from linguistic aspects, such as ideational function is one of the new research approaches which improve a better and deeper understanding of hidden layers of texts. One of the modern Arabic and Persian literary discussions is the use of myths in modern poetry. Contemporary Arabic and Persian poets have described Hallaj's story in the form of myth. Abd al-Wahhab al-Bayati, a contemporary Arabic poet, and Shafiei Kadkani, a contemporary Persian poet, are among the poets who deal with the story of Hallaj in some of their poems. The method is correlative-analytical and this study tries to analyze the variety of different ideational metafunction processes of Hallaj's story in the poetry of these two poets. The results show that each of these two poets used various material processes to express their opinions. Peripheral elements such as time and space exist in the poems of both poets.


Keywords: Ideational Metafunction, Process, Halaj, Abd Al-Wahhab Al-Bayati, Shafiei Kadkani.

– Corresponding Author: forghan1713@gmail.com

How to Cite: Jamali, A., Mirzania, M. R. (2022). The Comparative Study of the Linguistic Representation of Shafiei Kadkani and Abd al-Wahhab al-Bayati to Hallaj's Tragedy from the Perspective of Ideational Metafunction. *Literary Text Research*, 26(93), 209-232. doi: 10.22054/LTR.2020.44349.2750

مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی تراژدی حلاج در شعر شفیعی کدکنی و عبدالوهاب بیاتی از منظر فرانقش اندیشگانی

عبدالمجید جمالی  *
کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، آباءه، ایران

محمد رضا میرزانی 
استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، آباءه، ایران

چکیده

نظریه‌ی نقش‌گرایی هلیدی محصول نگاهی اجتماعی به زبان است که به کمک فرانقش‌های سه‌گانه‌ی اندیشگانی، بین‌فردی و متنی در زبان اتفاق می‌افتد. بررسی متون ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی از جمله از جهت ساخت اندیشگانی زبان یکی از رویکردهای جدید پژوهشی است که باعث درک و فهم عمیق‌تر لایه‌های پنهانی متون می‌شود. از مقوله‌هایی که ادبیات معاصر عربی و فارسی به آن می‌پردازد کارکرد اسطوره‌ها در شعر معاصر است. شاعران معاصر عربی و فارسی در قالب اسطوره به توصیف داستان حلاج می‌پردازند. عبدالوهاب بیاتی به‌عنوان شاعر معاصر عرب و شفیعی کدکنی به‌عنوان شاعر معاصر فارسی از جمله کسانی هستند که در پاره‌ای از اشعار خود به داستان حلاج نگاهی دارند. پژوهش پیش رو با تکیه بر شیوه توصیفی-تحلیلی، به بررسی سهم فرآیندهای مختلف فرانقش اندیشگانی در داستان «حلاج» در آثار این دو شاعر پرداخته است. نتایج گویای آن است که هر کدام از این دو شاعر برای بیان دیدگاه‌های خود بیشتر از فرآیندهای گوناگون مادی استفاده کردند. همچنین عناصر پیرامونی در اشعار این دو شاعر شامل عناصر مکانی و زمانی است.

کلیدواژه‌ها: فرانقش اندیشگانی، هلیدی، حلاج، عبدالوهاب بیاتی، شفیعی کدکنی.

مقدمه

زبان‌شناسی از دیرباز یکی از رویکردهای مهم در تحلیل متون ادبی بوده که در عصر حاضر اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. ادبیات همیشه لایه‌های خوانش‌نشده‌ی زیرین دارد که درک آن بدون فهم زبان، شناخت نویسنده یا شاعر تقریباً غیرممکن می‌نماید. در میان نظریه‌های زبان‌شناسی، نظریه نقش‌گرای مایکل هیلیدی از جامعیت بیشتری برخوردار است و یکی از بهترین رویکردها برای تحلیل متون ادبی می‌باشد. این نظریه به کمک فرانش‌های سه‌گانه‌ی اندیشگانی، بینافردی و متنی در زبان به بررسی بافت، نقش و معنای اجتماعی زبان می‌پردازد.

داستان حلاج یکی از داستان‌های صوفیانه‌ای است که به‌عنوان کارکرد متن در شعر معاصر عربی و فارسی جایگاه خاصی دارد. حلاج در ادبیات فارسی بیش از ادبیات عربی جایگاه خود را حفظ کرده است و از جمله شاعرانی که در این زمینه سروده‌اند می‌توان به محمدرضا شفیعی کدکنی اشاره کرد. در دوران معاصر، از این شخصیت در ادبیات عرب و سروده شاعرانی همچون عبدالوهاب بیاتی مورد استفاده قرار گرفته است.

هدف از این پژوهش، بررسی تطبیقی شیوه بازنمایی تراژدی حلاج در شعر شفیعی کدکنی و عبدالوهاب بیاتی از منظر زبان‌شناختی و بر اساس فرانش‌اندیشگانی زبان است که این‌گونه پژوهش‌ها می‌تواند سبب فهم بهتر متون معاصر از طریق رویکردهای جدید زبان‌شناسی شود.

بررسی پیشینه تحقیق به ما نشان می‌دهد که تاکنون تحقیق مستقلی که به بررسی حلاج در شعر این دو شاعر از منظر فرانش‌اندیشگانی بپردازد، منتشر نشده است؛ لذا پرداختن به حلاج در آثار این دو شاعر از این منظر ضروری می‌نماید.

پژوهش حاضر می‌کوشد تا با تکیه بر سوژه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از شیوه تحلیل محتوا بر اساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و با بررسی فرآیندهای زبانی به‌کاررفته، مشارکین فرآیند و عناصر پیرامونی در مقوله وصف حلاج به پرده‌برداری از لایه‌های زیرین معنایی در اشعار این دو شاعر بپردازد. نتایج پژوهش گویای آن است که هرکدام از

این دو شاعر برای بیان دیدگاه‌های خود بیشتر از فرآیندهای گوناگون مادی استفاده کردند. همچنین عناصر پیرامونی در اشعار این دو شاعر شامل عناصر مکانی و زمانی است.

سؤالات پژوهش

در این پژوهش برآنیم تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

۱. شفیعی کدکنی و عبدالوهاب البیاتی هر کدام برای توصیف کهن‌الگوی «حلاج» از چه نوع فرآیندهای زبانی بیشتری استفاده نموده‌اند؟
۲. کاربرد هر یک از فرآیندهای زبانی و بسامد هر کدام از جانب این دو شاعر مذکور در توصیف شخصیت حلاج چه دلالت‌هایی دارد؟
۳. نقطه تلاقی توصیف حلاج در اشعار این دو شاعر کدام است؟

فرضیه‌های پژوهش

محمد رضا شفیعی کدکنی و عبدالوهاب البیاتی، هر کدام از فرآیندهای زبانی مادی و کلامی با بسامدهای گوناگون در توصیف حلاج در اشعار خود استفاده نموده‌اند. هر کدام از فرآیندهای زبانی از جانب این دو شاعر، دلالت بر نوع جهان‌بینی و نگرش آن‌ها به داستان حلاج دارد.

نقطه تلاقی در اندیشه‌های این دو شاعر نسبت به توصیف حلاج، اشتراک در زنده‌انگاری و تقدیس‌گرایی و به‌گونه‌ای دیدگاه صوفیانه نسبت به این شخصیت است.

پیشینه پژوهش

در این موضوع مقالات چندی به رشته تحریر در آمده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

مقاله واکاوی سیمای نیشابور در شعر عبدالوهاب بیاتی و محمد رضا شفیعی کدکنی اثر احمد رضا حیدریان شهری و معصومه نصیری (۱۳۹۵ هـ ش): نویسنده‌گان پس از بازخوانی نمودهای شهر و گذاری بر تصویر همسان نیشابور در سروده‌های بیاتی و

شفیعی کدکنی به این نتیجه می‌رسند که دیدگاه این دو شاعر به دلیل شباهت اندیشه و محیط زندگی و تأثیری که شفیی کدکنی از بیاتی گرفته‌است، نسبت به نیشابور همسان است. در مقاله بررسی شعر محمدرضا شفیی کدکنی و عبدالوهاب بیاتی از منظر ادبیات تطبیقی اثر ناهده فوزی، مریم امجد و کبری روشنفکر (۱۳۹۱ هـ ش): نویسندگان پس از بررسی عناصر مشترک بین دو شاعر به این نتیجه می‌رسند که هر دو شاعر دارای تشابهات عقیدتی، فرهنگی، ادبی و شرایط همسان اجتماعی می‌باشند و از دلایل این تشابه، آشنایی دیرینه شفیی کدکنی با بیاتی و اشتراک در اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی است. با اذعان به همه بررسی‌های تطبیقی صورت گرفته میان این دو شاعر، باید بیان داشت که مقاله‌ای را نیافتیم که به بررسی تطبیقی اشعار این دو شاعر در یک موضوع خاص از منظر فرانقش اندیشگانی پرداخته باشد و پژوهش صورت گرفته از این حیث، صاحب امتیاز می‌باشد.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی

در مکتب آمریکایی برخلاف مکتب فرانسه، به روابط میان ادبیات مختلف بر مبنای اصل تأثیر و تأثر توجهی نمی‌شود. در این مکتب اصل تشابه و همانندی اصالت دارد (فوزی، ۱۳۹۳).

این مکتب، روند ادبیات تطبیقی را از تاریخ‌گرایی به نظریه و نقد ادبی تغییر داد و با تأکید بر تمامیت ادبیات، حوزه تحقیق را در این شاخه توسعه بخشید. مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی بیان می‌دارد که بُعد ادبی، زیبایی‌شناسی و هنری باید در کانون توجه این رشته باشد. مکتب آمریکایی شباهت‌های بین آثار ادبی را ناشی از روح مشترک همه انسان‌ها می‌داند و بیشتر بر آن است که ادبیات به‌عنوان پدیده جهانی و در ارتباط با سایر شاخه‌های دانش بشری و هنرهای زیبا معرفی شود. (شرکت مقدم، ۱۳۸۸) یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های

ادبیات تطبیقی، مفهوم روابط از منظر فرانقش اندیشگانی است که منتسب به هلیدی^۱ می‌باشد.

۱-۲. رویکرد نقش‌گرایی هلیدی و فرانقش‌های سه‌گانه

خاستگاه دستور نقش‌گرا، اروپا می‌باشد. نقش‌گرایان، زبان را یک نهاد بشری می‌دانند که کارکرد اصلی آن برقراری ارتباط بین انسان‌ها به منظور انتقال اطلاعات و مفاهیم ذهنی به یکدیگر است. (رضایی، ۱۳۹۱)

درواقع «دستور نظام‌مند نقش‌گرا» که با نام مخفف SFG^۲ در زبان انگلیسی معروف است، تا حد زیادی مرهون زبان‌شناس انگلیسی تبار، جان روبرت فرث است؛ هرچند نمی‌توان تأثیر اروپاییان مکتب پراگ را نادیده گرفت. عقاید فرث تا قبل از مرگش (۱۹۶۰) گسترش نیافت؛ اما هلیدی در نیمه دوم قرن بیستم آن عقاید را رشد داد و به شکوفایی رساند. (ایشانی، ۱۳۹۷) هلیدی با الهام گرفتن از ایده‌های یک‌مردم‌شناس به نام مولینوفسکی این فرضیه را بیان می‌کند که «نقش‌های اجتماعی» مختلف زبان هستند که ساختارهای زبانی را تعیین می‌کنند. (رضایی، ۱۳۹۱) هلیدی معتقد است که نقش‌های اجتماعی زبان موجب پدید آمدن شکل زبان می‌شود. در نظر او، زبان نظامی از معناهاست و معناست که اساس تعامل اجتماعی قرار می‌گیرد. مطابق دیدگاه او، نظام زبان و واژگان در طی اعصار و به‌منظور ارضای نیاز انسان به تدریج شکل گرفت و بر اساس نقشی که در ارتباط با نیازهای بشری داشت، سازماندهی شد. بر این اساس، ویژگی‌های بنیادی معنا در زبان، همان ویژگی‌ها و محتویات نقشی‌اند که «فرانقش» خوانده می‌شوند. هلیدی، قائل به سه فرانقش عمده در نظام زبان است که عبارت‌اند از: ۱- فرانقش اندیشگانی، ۲- فرانقش بینا فردی، ۳- فرانقش متنی. فرانقش اندیشگانی به بیان محتوا می‌پردازد. فرانقش بینا فردی شامل تجربه‌های اجتماعی، بیانی و کنشی زبان از سوی گوینده است. فرانقش متنی نیز، شامل عناصر و تدابیر متن‌ساز زبان است که از رهگذر شیوه آرایش و ترتیب عناصر محتوایی کلام حاصل می‌شود. (ستاری، ۱۳۹۵)

1. Halliday

2. Systemic Functional Grammar

۱-۳. فرانش اندیشگانی

در فرانش اندیشگانی، فرآیندها متناسب با نوع افعال و کاربرد آن‌ها در متن متمایز می‌شوند. هلیدی به‌جای فعل از فرآیند استفاده می‌کند تا به فعلیت آن بیشتر توجه شود. از سوی دیگر هلیدی معتقد است که هر فرآیند به‌طور بالقوه شامل سه گزینه است: خود فرآیند، مشارکین در فرآیند و موقعیت‌های مربوط به فرآیند. فرآیند عبارت‌است از یک رخداد، کنش، احساس، گفتار یا بودونبود. مشارکین فرآیند عناصری‌اند که یا عامل فرآیند هستند، یا فرآیند بر آن‌ها اعمال می‌شود و یا از فرآیند بهره‌مند می‌شوند، اما موقعیت‌ها عناصری‌اند که زمان، مکان، شرایط و ... فرآیند را به وجود می‌آورند. (فرهنگی، ۱۳۹۵)

تجربه‌های دنیای درون و بیرون انسان را می‌توان در شش فرآیند خلاصه کرد. این فرآیندها عبارت‌اند از: سه فرآیند اصلی به نام مادی، ذهنی و رابطه‌ای. فرآیندهای فرعی که در مرز میان این فرآیندها قرار می‌گیرند فرآیندهای رفتاری، کلامی و وجودی نامیده می‌شوند. (منتظری، ۱۳۹۷)

نگاهی به فرآیندهای شش‌گانه:

الف) فرآیند مادی: این عنوان به تجربه ما از دنیای بیرون مربوط است و شامل همه بندهایی است که رخداد حادثه یا انجام عملی را نشان می‌دهد؛ همانند اتفاق افتادن، نوشتن، ساختن، رفتن. انجام‌دهنده این عمل را کنش‌گر می‌نامند؛ حال اگر این عمل از یک عنصر به عنصر دیگر گذر کرده باشد، یک هدف نیز در بند دیده می‌شود. (نادری، ۱۳۹۶)

ب) فرآیند ذهنی: این فرآیند به تجربه ما از جهان خودآگاهی خودمان یعنی اصل به امور ذهنی، حسی و فکری، شناختی و ادراکات انسانی مربوط است، از قبیل: آموختن، ترسیدن، خواستن، دوست‌داشتن، از دست‌دادن و ... است. این فرآیند دو مشارک تحت عنوان مدرک و پدیده دارد. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶)

ج) فرآیند رابطه‌ای: این فرآیند به توصیف یا شناسایی مرتبط است و همه افعالی را در برمی‌گیرد که به‌نوعی شیوهایی از بودن، شدن، تبدیل شدن، به نظر رسیدن را بیان

می‌کنند. این فرآیند نیز دو شرکت‌کننده دارد، شرکت‌کننده‌ای به نام شاخص که مشخصه یا ویژگی را بیان می‌کند و شرکت‌کننده‌ی حامل که آن چیز یا کسی است که مشخصه به آن نسبت داده می‌شود. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶) در زبان عربی فعل بودن گاهی نمود عینی ندارد یعنی فعل «یکون» یا وصف «کائن» در متن محذوف است و در قالب ساخت مبتدا-خبری به مفهوم آن دست پیدا می‌کنیم.

د) فرآیند رفتاری: این فرآیند اساساً به رفتار فیزیکی و روانی انسان، مانند نفس کشیدن، سرفه کردن، خندیدن، خیره شدن، گریه کردن، اخم کردن و جز آن اطلاق می‌شود. این فرآیند معمولاً یک شرکت‌کننده‌ی بارز دارد که رفتارگر نامیده می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۹۵)

ه) فرآیند کلامی: این فرآیند، افعال مربوط به گفتن را در برمی‌گیرد. یک شرکت‌کننده الزامی این فرآیند گوینده است و شرکت‌کننده دیگر که او نیز انسان است، دریافت‌کننده نام دارد. (مصطفوی، ۱۳۹۵)

و) فرآیند وجودی: فرآیند وجودی نشان می‌دهد چیزی وجود دارد یا اتفاق می‌افتد. از آنجایی که این فرآیند اساساً با فعل «بودن» همراه است و حضور یا وجود چیزی را نشان می‌دهد، بنابراین شبیه فرآیند رابطه‌ای است. از سوی دیگر، چون اتفاق افتادن و رخ دادن را نشان می‌دهد، با فرآیند مادی مرتبط در نظر گرفته می‌شود و شیء یا رویدادی که وجودش نشان داده می‌شود، موجود نام دارد. (مصطفوی، ۱۳۹۵)

۱-۴. حلاج

حلاج از عارفان و صوفیان بزرگ ایرانی قرن سوم می‌باشد که در ادبیات ما همواره مورد توجه بوده است. در دوران معاصر، از این شخصیت در ادبیات عرب و سروده شاعرانی همچون آدونیس و عبدالوهاب بیاتی مورد استفاده قرار گرفته است.

حلاج از پیروان مکتب سکر بود که زادگاهش را فارس ایران می‌دانند. از طریق سفر و مهاجرت افکار خویش را ترویج می‌داد. وزیر وقت خلفای عباسی به دلیل همین افکار خاص حلاج، حکم قتلش را صادر کرد و او را در بغداد به دار آویختند. درباره چگونگی

قتلش گفته‌اند که او را پس از تازیانه زدن، مثله نموده و جسدش را سوزاندند و خاکسترش را به دجله ریختند. در مورد کرامات او سخنان زیادی گفته‌اند. او را به بهانه سخنان معروفش، یعنی «أنا الحق»، «لیس فی جبتی سوی الله» و «أنا مغرق قوم نوح و مهلك عاد و ثمود» به دار آویخته شد. پیروانش معتقدند که حلاج کشته نشده است. آورده‌اند هنگامی که دست و پایش را می‌بریدند، ساعدهای خون‌آلودش را به صورت می‌مالید و زمانی که علت این کار را از او پرسیدند، پاسخ داد که چون خون زیادی از من رفته، رویم زرد شده است و ممکن است که شما فکر کنید من ترسیده‌ام پس خون در رویم می‌مالم تا چنین نشان ندهد. (یا حقی، ۱۳۸۹)

۱-۵. نگاهی گذرا به زندگی عبدالوهاب بیاتی

عبدالوهاب بیاتی در سال ۱۹۲۶ در یکی از محله‌های بغداد در خانواده‌ای فقیر و تهیدست به دنیا آمد. البیاتی در بغداد مشغول به تحصیل شد و از دانشسرای عالی بغداد، در رشته ادبیات عربی لیسانس گرفت. (سرباز، ۱۳۹۶)

در سال ۱۹۵۰ اولین دفتر بیاتی، قصیده‌ای با عنوان «الملائكة والشيطان» در بیروت به چاپ رسید. بیاتی با اشراف به این موضوع که نوآوری در شعر، شوریدن بر عروض و اوزان و قوافی نیست؛ بلکه تجدید شعری، انقلاب در مضامین و تعبیر است، توانست نقشی پررنگ در تأسیس و بنیادین کردن حرکت شعر آزاد در میان شاعران عرب ایفا کند. (نجفی ایوکی، ۱۳۹۳) این شاعر آزاده‌ی عراقی مخالف دولت علاوه بر عراق در دانشگاه مسکو مشغول به تدریس و فعالیت بود. البیاتی پس از آن که در سال ۱۹۹۷ تابعیت عراقی خود را از دست داد به دمشق رفت و در آنجا ساکن شد و در سال ۱۹۹۹ بر اثر سکته قلبی درگذشت. (حیدریان شهری، ۱۳۹۵) البیاتی به خاطر آوارگی، مهاجرت و تبعید همیشه در سفر بوده و این سفر و گذار در شعرهای او بازتاب یافته است. در اشعارش از دلتنگی‌های خود برای دوران کودکی، جوانی، خانواده، سرزمین مادری، ارزش‌های نیک از دست‌رفته و اساطیر گذشته سخن می‌گوید. (روشنفکر، ۱۳۹۳)

بیاتی، شاعر سمبولیست، از گروه نوپردازان است که بیشتر به مسائل اجتماعی پرداخته است. شعر وی، آمیزه‌ای از تصوف و فلسفه اگزیستانسیالیسم است که به زبان اهمیت بسیار می‌دهد و از اساطیر و رموز، برای بیان افکارش سود می‌جوید. شعر وی همچون گروه گسترده‌ای از شاعران معاصر عرب، غالباً شعری سراسر اندوه، غم، عاطفه، مبارزه و آرمان‌گراست. او در زندگی‌اش دغدغه آزادی داشت. (سرباز، ۱۳۹۶) این شاعر آرمان‌گرا سکوت و سکون را جایز نمی‌داند و دیگران را نیز تشویق می‌کند تا با ظلم مبارزه کنند.

۱-۶. نگاهی گذرا به زندگی محمدرضا شفیعی کدکنی

محمدرضا شفیعی کدکنی در سال ۱۳۱۸ در کدکن از روستاهای قدیمی بین نیشابور و تربت حیدریه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را در مشهد گذراند و از آن‌پس وارد دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد شد و به تحصیل پرداخت و لیسانس خود را در این رشته دریافت کرد. همزمان با تحصیلات متوسطه و دانشگاهی در حوزه علمیه مشهد به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت و ادبیات عرب را نزد اساتید معظم این حوزه فراگرفت. شفیعی کدکنی پس از عزیمت به تهران در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دوره فوق لیسانس خود را گذراند و سپس دوره دکترای زبان و ادبیات عرب را نیز پشت سر گذاشت. شفیعی کدکنی از جمله شاعران معاصر است که از میراث ادبی کهن در حد بسیار گسترده‌ای برخوردار است. (همشهری، ۱۳۸۶)

«م. سرشک» شاعری را در قالب کلاسیک آغاز کرد و در سال ۱۳۴۴ نخستین دفتر شعرش را با نام زمزمه‌ها منتشر کرد. سپس آشنایی با نیما، اخوان و دیگر شعرای معاصر نوپرداز او را به سمت شعر نو و نیمایی سوق داد. (جبار، ناصر، ۱۳۹۶) برخی منتقدان، شعر شفیعی را بیش از دیگر شاعران نوگرا، از عناصر و نمادها و سمبل‌های اسطوره‌ای بهره‌مند دانسته‌اند و با توجه به همین ویژگی، وی را شاعر ملی و مجموعه اشعارش را دایره‌المعارف ملی خوانده‌اند. (محمدی کله‌سر، ۱۳۹۶) شفیعی، صاحب یک ویژگی بارز است و آن اینکه هم منتقدی زبردست است و هم شاعری صاحب شأن و مرتبه. عبدالحسین

زرین کوب در این باره می‌گوید: حق آن‌است که کمتر دیده‌ام محققى راستین در شعر و شاعری هم پایه‌ای عالی احراز کند. (ابویسانی، ۱۳۹۵)

شاعر، دفاتر اشعار «زمزمه‌ها»، «شب‌خوانی»، «از بودن و سرودن»، «بوی جوی مولیان»، «مثل درخت در شب باران»، «در کوچه باغ‌های نیشابور» را جداگانه به چاپ رسانیده است. او هفت دفتر شعر را در مجموعه «آینه‌ای برای صداها» و پنج دفتر دیگر را در مجموعه «هزاره دوم آهوی کوهی» منتشر کرده است. (یونسی رستمی، ۱۳۹۳)

۲. بحث و تحلیل داده‌ها

۱-۲. شیوه پردازش داستان حلاج در شعر عبدالوهاب بیاتی

سقطت فی العتمه والفراغ،

تلطخت روحک بالأصباغ،

شربت من آبارهم،

أصابک الدوار،

تلوث یداک بالحبر وبالغبار،

وها أنا أراک عاکفا علی رماد هدی النار،

صمتک بیت العنکبوت، تاجک الصبار،

یا ناحرا ناقته للجار،

طرقت بأبی

بعد أن نام المغنی،

بعد أن تحطم القیثار،

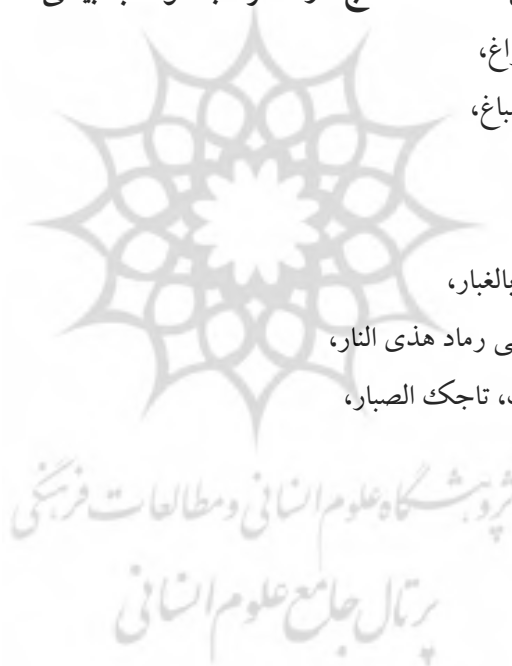
من این لی و أنت فی الحضرة تستجلی،

و این أنتهی و أنت فی بدایه أنتهاء،

موعدنا الحشر،

فلا تفض ختم کلمات الريح فوق الماء،

ولا تمس ضرع هدی العنزة الجرباء،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

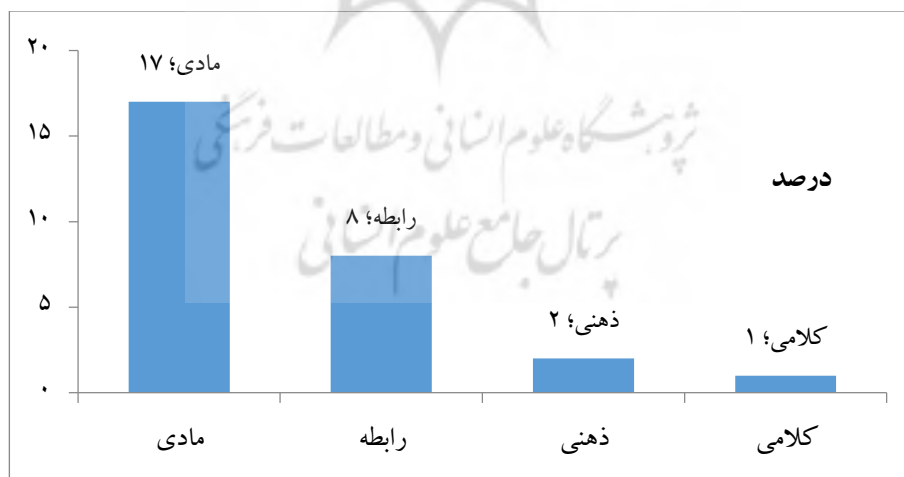
فباطن الأشياء ظاهرها
 فظن ما تشاء،
 من أين لي و نارهم في أبد الصحراء،
 تراقصت و انطفأت،
 وها أنا أراك في ضراعة البكاء،
 في هيكل النور غريقا صامتا تكلم المساء

جدول ۱. فرانشش اندیشگانی در شعر عبدالوهاب بیاتی

عناصر پیرامونی	شرکت کنندگان در فرایند	فرایند زبانی	
	ت/تو	مادی	سقوط/سقوط کردن
	روحک/روح-أصباغ/رنگها	مادی	تلطّخ/آغشته شدن
آبار/چاهها-مکانی	ت/تو	مادی	شُرب: نوشیدن
	الدّوار/سرگیجه-كئ/تو را	مادی	إصابه/فرا گرفتن
	یداک/دستانت-بالجبرو بالأغبار/دوات و غبار	مادی	تلوّث/آلوده شدن
	أنا/من-كئ/تو را	ذهنی	رأی/دیدن
رماد هدی النار/خاکستر این آتش-مکانی	كئ/تو (محدوف)	مادی	عُكوف/معتکف شدن
	صُممتک/سکوت-بيت العنكبوت/خانه عنكبوت	رابطه‌ای	اسناد/بودن
	تاجک/تاجت-الصبّار/کاکتوس	رابطه‌ای	اسناد/بودن
الجار/همسایه-مکانی	أنت مستتر/تو (محدوف)-ناقته/شتر خویش	مادی	نحر/قربانی کردن
	ت/تو (محدوف)-بابی/در خانه‌ام	مادی	طرق/کوبیدن
	المُعنی/خنیاگر	مادی	نوم/خفتن
	القیثار/گیتار	مادی	حطم/متلاشی شدن
	ی/من-أنت/تو-أین/کجا	رابطه‌ای	اسناد/بودن
فی الحضرة/در پیشگاه-مکانی	أنت مستتر/تو (محدوف)	مادی	استجلال/خواهان تجلی
أین/کجا (مکانی)	أنا (مستتر)/من (محدوف)-أین/کجا	مادی	انتهاء/پایان رسیدن
	أنت/تو-بداية انتهاء/آغاز انتها	رابطه‌ای	اسناد/بودن
	موعد/میعاد-الحشر/ستاخیز	رابطه‌ای	اسناد/بودن

عناصر پیرامونی	شرکت کنندگان در فرایند	فرایند زبانی	
فوق الماء/بر بلندای آب (مکان)	أنت (مستتر)/تو (محذوف) - ختم الكلمات / مهر و موم کلمات	مادی	فضی/گشودن
	تو (محذوف) - ضرع/پستان	مادی	مسّ/لمس کردن
	باطن الأشياء/باطن اشیاء - ظاهرها/ظاهر آنها	رابطه‌ای	اسناد/بودن
	أنت (مستتر)/تو (محذوف) - ما تشاء/هر چه می خواهی	ذهنی	ظنّ/گمان داشتن
	ی/من - من أين/چه کار	رابطه‌ای	اسناد/بودن
فی أبد الصحراء/در دل صحرا (مکانی)	نارهم/آتش آنها	مادی	تراقص/رقصان شدن
	هی (مستتر)/آتش (محذوف)	مادی	انطفاء/خاموش شدن
اینک - زمانی	من - تو را	مادی	دیدن
فی ضراعهُ البكاء/در زاری گریه (حالت) - فی هیکل النور/در معبد نور (مکانی)	أنت (مستتر)/تو (محذوف) - غریقاً صامتا/ غرق خاموشی	رابطه‌ای	اسناد/بودن
	أنت (مستتر)/تو (محذوف) - المساء/شبانگاهان	کلامی	تکلم/به نجوا نشستن

۲-۱-۱. بررسی فرایندهای زبانی و انواع آن



نمودار ۱. درصد فرایندهای زبانی در شعر عبدالوهاب بیاتی

فرآیند مادی: همان‌طور که در شعر بیاتی مشاهده می‌کنیم فرآیندهای مادی با ۶۱ درصد، بیشترین فرآیند را به خود اختصاص داده‌است. فرآیندهای مادی دلالت بر انجام کارهای مادی یا رخ دادن وقایع عینی دارند که جنبه‌ی کنشی و حرکتی بیشتری به متن می‌دهد، بنابراین بسامد بالای استفاده از آن‌ها سبب می‌شود که «حلاج» را مرده نپنداریم بلکه وجودش را احساس کنیم و همچنین باعث می‌شود فضای شعر تحریک بیشتری داشته باشد. فرآیند رابطه‌ای: فرآیند رابطه‌ای به کار رفته در این بندها با ۲۹ درصد بعد از فرآیند مادی بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است و همان‌طور که می‌دانیم در زبان عربی هنگام اسناد، از فعل استفاده نمی‌شود و جملات در قالب مبتدا و خبر می‌آید و این یعنی حذف فعل و حذف زمان. بیاتی نشان می‌دهد که «حلاج» مربوط به زمان خاصی نیست بلکه به همه زمان‌ها اختصاص دارد و همیشگی است.

فرآیند ذهنی: فرآیند ذهنی سومین فرآیندی است که با ۷ درصد بعد از فرآیند مادی و رابطه‌ای قرار دارد. بیاتی با به‌کارگیری فرآیند ذهنی احساسات و ویژگی‌های ذهنی و انتزاعی خود و شخصیتش را معرفی می‌کند و به خواننده انتقال می‌دهد.

فرآیند کلامی: فرآیندهای کلامی به کار رفته در متن کمترین بسامد را داراست و تنها ۳ درصد فرآیندها را به خود اختصاص داده است؛ و از آنجا که فرآیند کلامی نشانه ارتباط می‌باشد شاید کسی این اشکال را بر الیاتی وارد سازد که چرا فرآیند کلامی در شعرش کم است با وجود اینکه شاعر اعتقاد دارد حلاج زنده است و همچنین ادعا دارد که با تمام وجود او را احساس می‌کند و لحظه‌ای از او دور نیست؛ پس برای اثبات این ادعایش بایستی که فرآیند کلامی دارای بسامد بالایی در شعرش می‌بود و حال آن‌که چنین نیست.

پاسخ به این سؤال خیلی ساده است. اگر ما نگاهی به شرکت‌کنندگان در فرآیند بیندازیم خواهیم دید بیاتی در تمام شعرش «حلاج» را با ضمیر خطاب ندا می‌زند و مستقیم و بدون واسطه با «حلاج» صحبت می‌کند و این سخن مستقیم، بالاترین درجه ارتباط می‌باشد. می‌توانیم نگاهی هم به قرآن بیندازیم آنجا که می‌گوید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ...» (بقره: ۱۸۶) «و هرگاه بندگان من از تو در مورد من سؤال کردند پس همانا من بسیار نزدیکم...». در اینجا خداوند نگفت که به آن‌ها بگو که من بسیار نزدیکم و

عبارت «بگو» را حذف کرد و خود مستقیم با بندگان صحبت کرد تا به بندگان نشان دهد که نیازی به واسطه نیست و او را بیگانه نپندارند بنابراین عدم وجود واسطه نشان از هم ذات پنداری دارد. پس در اینجا نبود فرآیند کلامی دلالت بر این نمی‌دهد که بیاتی با «حلاج» بیگانه است بلکه در اینجا دقیقاً عکس این گفته است و این با قرینه شرکت کنندگان در فرآیند فهمیده می‌شود که بیاتی در تمام شعر، «حلاج» را مستقیم خطاب قرار داده است.

۲-۱-۲. شرکت کنندگان در فرآیند

مشارکین فرآیند عناصری‌اند که یا عامل فرآیند هستند، یا فرآیند بر آن‌ها اعمال می‌شود و یا از فرآیند بهره‌مند می‌شوند. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶)

شرکت کننده فعال در این شعر، حلاج می‌باشد و شاعر نیز در تمام برخوردهایی که با حلاج داشته است با ضمیر خطاب با او برخورد می‌کند و این مخاطب قرار دادن حاکی از آن است که حلاج در نگاه بیاتی زنده است و او با مرگ از بین نرفته است. از طرفی مشاهده می‌کنیم از ۲۸ فعل به کاررفته تنها ۴ فعل ناگذر هستند و فعل ناگذر از نظر رتبه و ارزش در درجه پایین تری به نسبت فعل گذرا می‌باشد، چراکه فعل گذرا مشارکین بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد. مشارکین بیشتر به شعر پویایی می‌دهد و فضای شعر را از یکنواختی دور می‌کند و این فضای پویا همان چیزی است که شاعر به دنبال آن است چراکه از یک طرف شاعر عقیده دارد که حلاج با مرگ از بین نرفته بلکه تأثیر انقلابی بر دیگران گذاشته است و از طرف دیگر می‌خواهد این تحرک را به خوانندگان انتقال دهد که نباید در مقابل ظلم و ستم ساکت بود و راکد ماند.

۲-۱-۳. عناصر پیرامونی

عناصر پیرامونی عناصری‌اند که زمان، مکان، شیوه عمل، وسایل و شرایط فرآیند را فراهم می‌کنند. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶) عناصر پیرامونی بیشتر نشان از صحنه‌پردازی قوی شاعر است. از طرفی دیگر زمانی که شاعری بخواهد تمام تمرکزش را بر یک چیز بگذارد از عناصر پیرامونی کمتری استفاده می‌کند. شاعر در این شعر می‌خواهد که از حلاج فاصله

نگیرد و او را یک زنده‌ی واقعی تصور کند که هرگز از بین نمی‌رود؛ به این خاطر از شاخ و برگ‌ها می‌زند و از ۲۸ فرآیند ۸ فرآیند دارای عنصر پیرامونی می‌باشد و وقتی نیک بنگریم می‌بینیم که در همه این عناصر به مکان توجه شده است که نشان از این است شاعر با تأکید بر مکان برای او زندگی و حیات قائل می‌شود.

۲-۲. شیوه پردازش داستان حلاج در شعر شفیعی کدکنی

در آینه، دوباره، نمایان شد:

با ابر گیسوانش در باد،

باز آن سرودِ سرخ «انا الحق»

ورد زبان اوست.

تو در نماز عشق چه خواندی؟

- که سال‌هاست -

بالای دار رفتی و این شحنه‌های پیر

از مردهات هنوز

پرهیز می‌کنند.

نام تو را، به رمز،

رندان سینه چاکِ نشابور

در لحظه‌های مستی

- مستی و راستی -

آهسته زیر لب

تکرار می‌کنند.

وقتی تو، روی چوبه‌ی دارت،

خموش و مات

بودی،

ما:

انبوه کرکسان تماشا،
با شحنه‌های مأمور:
مأمورهای معذور،
همسان و همسکوت

ماندیم.

خاکستر تو را
باد سحر گهان
هر جا که برد،
مردی ز خاک روئید.

در کوچه باغ‌های نیشابور،
مستان نیمشب، به ترنم،
آوازه‌های سرخ تو را
باز
ترجیع وار زمزمه کردند.
نامت هنوز ورد زبان‌هاست.

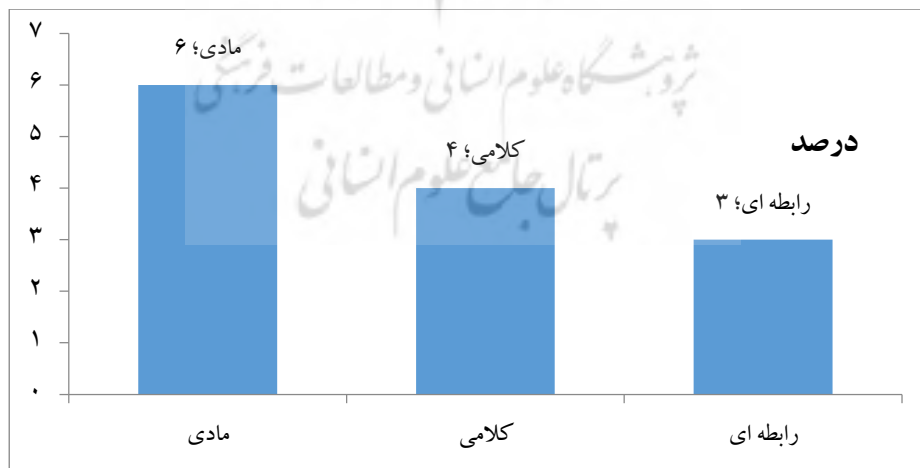
محمد رضا شفیعی کدکنی به مانند عبدالوهاب البیاتی در شیوه پردازش به داستان حلاج از انواع فرآیندهای زبانی استفاده نموده است. همه این فرآیندها شامل مشارکین در فرآیند و عناصر پیرامونی فرآیندها هستند. در واقع این سه یکدیگر را تکمیل می‌کنند و فهم دلالت را بر مخاطب آسان‌تر می‌سازد.

جدول ذیل انواع فرآیندهای به کاررفته در پردازش شفیعی کدکنی به داستان‌های حلاج، تعداد فرآیندها و دیگر متعلقات به خوبی نمایش داده شده است:

جدول ۲. فرانش اندیشگانی در شعر شفيعی کدکنی

عناصر پیرامونی	شرکت کنندگان در فرایند	فرآیند زبانی	
در آینه (مکانی با ابر گیسوانش در باد)	او (محدوف)	مادی	نمایان شدن
	سرود سرخ انا الحق - ورد زبان او	رابطه‌ای	بودن
در نماز عشق (مکانی)	تو - چه	کلامی	خواندن
	سال‌ها	رابطه‌ای	بودن
زمانی - سال‌هاست	تو (محدوف) - بالای دار	مادی	رفتن
	شحنه‌های پیر - از مردهات	مادی	پرهیز کردن
لحظه‌های مستی - زمانی - زیر لب - مکانی	رندان سینه چاکک نیشابور - نام تو را	کلامی	آهسته تکرار کردن
روی چوبه دارت - مکانی	تو - خموش و مات	رابطه‌ای	بودن
	ما - با شحنه‌های مأمور	مادی	همسان ماندن
هرجا (مکانی)	باد سحرگهان - خاکستر تو را	مادی	بردن
از خاک - مکانی	مردی	مادی	رویدن (استعاری)
در کوچه باغ‌های نیشابور (مکانی) - به ترنم - ترجیع وار (حالت)	مستان نیم شب - آوازهای سرخ تو را	کلامی	زمزمه کردن
هنوز (زمانی)	نامت	کلامی	ورد زبان بودن

۲-۱-۲. بررسی فرآیندهای زبانی و انواع آن



نمودار ۲. درصد فرآیندهای زبانی در شعر شفيعی کدکنی

فرآیند مادی: فرآیند مادی در این شعر با ۴۶ درصد بالاترین بسامد را از آن خود کرده است. شفیعی کدکنی نیز به‌مانند بیاتی تلاش نموده است تا حلاج را ملموس نشان دهد و مرگ حلاج را زندگی جادوانه‌ای نشان دهد که هزاران شکوفه بر اثر حلاج به بار نشسته و راه او را ادامه می‌دهند.

فرآیند کلامی: دومین فرآیندی که در شعر شفیعی کدکنی بیشترین بسامد را داراست فرآیند کلامی می‌باشد. شعر محمدرضا شفیعی کدکنی با ۳۱ درصد فرآیند کلامی حاکی از آن است که ارتباط کلامی در شعر شفیعی کدکنی بالاست و همان‌طور که می‌دانیم فرآیند کلامی فرعی از فرآیند مادی است و این بالا بودن فرآیند مادی و کلامی در شعر شاعر نشانه اوج تبحر شاعر در استخدام کلمات و ملموس نشان دادن فضای شعر به مخاطب می‌باشد.

فرآیند رابطه‌ای: سومین فرآیند پرسامد در شعر شفیعی کدکنی فرآیند رابطه‌ای می‌باشد که ۲۳ درصد فرآیندها می‌باشد. فرآیند رابطه‌ای نشانه توصیفی بودن می‌باشد که شاعر در این شعر با استفاده از فرآیند رابطه‌ای حالات قهرمانانه شاعر را در هنگام مرگ توصیف می‌کند.

۲-۲-۲. شرکت‌کنندگان در فرآیند

نگاهی به شرکت‌کنندگان در فرآیند نشان‌دهنده آن است که شفیعی کدکنی از فرآیندهایی استفاده کرده است که نیازمند حضور مشارکت‌کنندگان است. در این شعر هم مشارکان انسان حضور دارند و هم مشارکان غیرانسانی. از بین شرکت‌کنندگان در فرآیند شاهد عناصری هستیم که با همدیگر در تضادند مثل: شحنه‌های مأمور، شحنه‌های پیر، مستان نیم‌شب، رندان سینه‌چاک و ... که شعر را از یکنواختی دور می‌کند و بر زیبایی آن می‌افزاید. با حضور پُرننگ شاعر در گفتمان و همراهی اش با حلاج روبه‌رویم. این حضور نشان‌دهنده تأثیر حلاج بر عواطف و احساسات شاعر است. به‌علاوه اینکه شفیعی کدکنی و حلاج از یک اقلیم سرزمینی هستند چراکه حلاج در نیشابور می‌زیسته و محمدرضا شفیعی نیز خود خراسانی می‌باشد. تأثیر حلاج بر ذهن شاعر چنان شگرف است که باعث شورش

درونی‌اش می‌شود. شاعر به دنبال بردار شدن حلاج، خود و حاضران را به کرکسان تماشا تشبیه می‌کند، اما شاعر با سرودن شعر برای حلاج نشان می‌دهد حداقل کاری که از دستش برآمده را برای حلاج انجام داده و به‌مانند بقیه سکوت نکرده است.

۲-۲-۳. عناصر پیرامونی

عناصر پیرامونی در این مجموعه به نسبت شعر بیاتی متنوع می‌باشد. عناصری همچون عناصر زمانی، مکانی و چگونگی که می‌توان نشانه‌ی توجه بیشتر شفیعی کدکنی به صحنه‌پردازی دانست، چراکه کاربرد فرآیندهایی با مشارکین بیشتر و عناصر پیرامونی فراوان‌تر نشانه‌ی شاخ و برگ دادن به کلام و جلب توجه مخاطبان به جزئیات موقعیت‌ها و صحنه‌هایی است که شاعر قصد توصیف آن‌ها را دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

۱. محمدرضا شفیعی کدکنی در شیوه پردازش خود به داستان حلاج بیشتر از فرآیندهای مادی استفاده نموده است و این در حالی است که عبدالوهاب البیاتی همین نوع فرآیند را بیشتر به کار برده است اما کاربرد آن در شعر او بیشتر از شعر شفیعی کدکنی است. بعد از فرآیند مادی، فرآیندهایی که بیشترین بسامد را در شعر شفیعی کدکنی دارند به ترتیب عبارت‌اند از فرآیندهای رابطه‌ای و کلامی با این تفاوت که عبدالوهاب البیاتی بعد از فرآیند رابطه‌ای به فرآیند ذهنی پرداخته است اما شفیعی کدکنی فرآیند ذهنی در شعر او به چشم نمی‌خورد. از دیگر سو فرآیند رابطه‌ای در شعر عبدالوهاب بیاتی بیشتر از شعر شفیعی کدکنی است اما فرآیند کلامی در شعر بیاتی بهره کمتری نسبت به شعر شفیعی کدکنی داراست.

۲. بیشتر بودن کاربرد فرآیند مادی نسبت به سایر فرآیندها در اشعار این دو شاعر و در شیوه پردازش آن‌ها نسبت به داستان حلاج بیانگر این است که این دو شاعر، دیدگاهی واقع‌گرایانه را برگزیده و برای انگاره‌سازی وجود فرآیند ذهنی در شعر بیاتی دلالت بر این دارد که شاعر داستان حلاج را در نیروی تخیل به کار برده است اما شفیعی کدکنی چون

از نظر اقلیمی و سرزمینی با حلاج همبستگی داشته است نیازی به کاربرد فرآیند ذهنی نداشته است و در عوض بیشتر از فرآیند کلامی استفاده کرده است که این دلالت بر این دارد که شفیعی کدکنی، حلاج را از قوه تخیل خارج نموده و به گونه‌ای او را زنده انگاشته است که خود ریشه در فرهنگی دارد که شفیعی کدکنی در آغوش آن زیسته است.

۳. نقطه تلاقی دو شاعر در توصیف حلاج فرضیه‌ای را که در مقدمه بیان کردیم اثبات می‌کند و می‌توان گفت: در اندیشه‌های این دو شاعر نسبت به توصیف حلاج اشتراک در زنده‌انگاری و تقدیس‌گرایی شخصیت حلاج و به گونه‌ای دیدگاهی صوفیانه نسبت به این شخصیت است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Abdolmajid Jamali



<https://orcid.org/0000-0001-7551-9374>

Mohammadreza Mirzania



<https://orcid.org/0000-0002-2379-7118>

منابع

قرآن کریم

ابویسانی، حسین و امید پور، حسن. (۱۳۹۵). سبک‌شناسی (تصویر حلاج) در شعر آدونیس و شفیعی کدکنی. *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، ۶ (۲۴)، ۱-۲۱.

ایشانی، طاهره و نعمتی قزوینی، معصومه. (۱۳۹۲). بررسی انسجام و پیوستگی در سوره‌ی صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا. *مجله‌ی علمی- پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*،

dor: 20.1001.1.23456361.1435.9.27.4.3. ۹۵-۶۵، (۲۷)۹

جباره ناصرو، عظیم و کوهنورد، رقیه. (۱۳۹۶). مرگ و مرگ اندیشی در اشعار شفیعی کدکنی. *شعر*

پژوهی دانشگاه شیراز، ۹ (۲)، ۶۷-۸۶. doi: 10.22099/JBA.2017.3971

حیدریان شهری، احمدرضا و نصیری، معصومه. (۱۳۹۵). واکاوی سیمای نیشابور در شعر عبدالوهاب الیاتی و محمدرضا شفیعی کدکنی. *کاوشنامه ادبیات تطبیقی*، ۶(۲۴)، ۴۵-۶۳. coi: JR_JCCL-6-24_003

رضایی، حدائق و علی‌پور، محمد. (۱۳۹۱). بررسی متون خوانداری مجموعه‌ی (فارسی بیاموزیم) بر اساس نقش‌های هفت‌گانه‌ی زبان از دیدگاه هلیدی. *پژوهش‌نامه‌ی زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان (علمی-پژوهشی)*، ۱(۲)، ۶۳-۷۹. coi: JR_JTPSOL-1-2_007

روشنفکر، کبری و اسماعیلی، سجاد. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی نوستالژی در شعر عبدالوهاب الیاتی و شفیعی کدکنی. *فصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات تطبیقی*، ۲(۲)، ۲۷-۵۵. coi: CPLC01_028

ستاری، رضا و حقیقی، مرضیه. (۱۳۹۳). بررسی شگردهای ایجاد انسجام در اشعار قیصر امین‌پور با تکیه بر نظریه زبان‌شناسی هالیدی. *فنون ادبی (علمی-پژوهشی)*، ۸(۱)، ۱۰۱-۱۱۸. doi: 10.22108/LIAR.2016.20557

سرباز، حسن، جعفری، جمیل و صحرارو، حمدیه. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی فقر در شعر عبدالوهاب الیاتی و ایرج میرزا. *نشریه ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ۹(۱۶)، ۶۵-۸۶. coi: JR_JCTK-9-16_004

شرکت‌مقدم، صدیقه. (۱۳۸۸). *تطبیقی مکتب‌های ادبیات. مطالعات ادبیات تطبیقی*، ۳(۱۲)، ۵۱-۷۱. coi: JR_JCTK-9-16_004

فرهنگی، سهیلا و کشاورز، شیرین. (۱۳۹۵). تحلیل ساخت اندیشگانی در اشعار دفاع مقدس پونه نیکوی و مجید سعدآبادی. *فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی*، ۴(۱۵)، ۴۳-۵۶.

فوزی، ناهده، امجد، مریم و روشنفکر، کبری. (۱۳۹۳). بررسی شعر محمدرضا شفیعی کدکنی و عبدالوهاب الیاتی از منظر ادبیات تطبیقی. *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ۲(۱)، ۷۹-۹۷. doi: 20.1001.1.23452366.1393.2.1.5.8

محمدی کله‌سر، علیرضا و حمزه شکمزاری، فاطمه. (۱۳۹۶). ساختار و کارکرد تصویر رویش در شعر شفیعی کدکنی. *پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت دانشگاه شهرکرد*، ۶(۱)، ۱۰۷-۱۲۴. doi: 10.22059/JLCR.2017.122755.200

مصطفوی، پونه و صنعتی، مرضیه. (۱۳۹۵). بررسی یک داستان کوتاه معاصر از منظر نقش‌گرایی هلیدی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۲(۲۳)، ۱۳۱-۱۵۶.

مهاجر، مهران و نبوی، محمد. (۱۳۷۶). *به سوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقش‌گرا*. تهران: اختران. نادری، فرهاد و نادری، سمیه. (۱۳۹۶). خوانش ساختار اندیشگانی و بینافردی اشعار فاروق جویده براساس رویکرد نقش‌گرایی هلیدی (مطالعه مورد پژوهانه: ده قصیده). *نقد ادب معاصر عربی*،

نجفی ایوکی، علی و میراحمدی، رضا. (۱۳۹۳). نقد سبک‌شناسانه سروده «بکائیه اِلی شمس حزیران» عبدالوهاب الیاتی. زبان و ادبیات عربی، ۶(۱۰)، ۱۶۷-۱۹۵. doi:

10.22067/JALL.V6I10.41028

یا حقی، محمدجعفر. (۱۳۸۹). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.

یونسی رستمی، محمدتقی، هادی پور، حوریا و خوشه چین، علی. (۱۳۹۳). تجلی طبیعت در اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی. زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنجان، ۶(۱۹)، ۱۳۹-۱۶۴.

References

Holy Quran

- Abavisani, H., Pourhasan, O. (2017). Stylistics (Hallaj Image) in the Poetry of Adonis and Shafiee Kadkani. *Journal of Narrative Research Duplicate*, 6(24), 1–21. [In Persian]
- Farhangi, S., Keshavarz, Sh. (2016). An Analysis of Ideational Function in Holly Defense Poems of Pooneh Nikooy and Majid Sa'd Abadi. *Journal of Literary and Rhetorical Studies*, 4(15), 43–56. [In Persian]
- Foozi, N., Amjad, M., Roshanfekar, K. (2014). Analyzing the Poetry of Mohammadreza Shafiei Kadkani and Abdul Wahhab AL-Bayyati on the Comparative Literature Respect. *Comparative Literature Research*, 2(1), 79–97. doi: 20.1001.1.23452366.1393.2.1.5.8. [In Persian]
- Heydarian Shahri, A., Nasiri, M. (2017). Analysis of the Image of Neishabour in the Poetry of Abdul Wahab Al-Bayati and Mohammad Reza Shafiei Kadkani. *Comparative Literature*, 6(24), 45–63. doi: JR_JCCL-6-24_003. [In Persian]
- Ishany, T., Nemati Ghazvini, M. (2013). The Study of Cohesion and Coherence in Sura Al-Saff with a Functionalist Linguistics Approach. *Journal of the Arabic Language and Literature*, 9(27), 65–95. doi:20.1001.1.23456361.1435.9.27.4.3. [In Persian]
- Jabbareh Nasero, A., Kohnavard, R. (2017). Death and Pondering Over Death in Poems of Shafiei Kadkani. *Poetry Studio of Shiraz University*, 9(2), 67–86. doi:10.22099/JBA.2017.3971. [In Persian]
- Mohammadi Kalesar, A., Hamzeh Shalamzari, F. (2017). The Structure and Function of the Image of Growing in Shafiei's Poetry. *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 6(1), 107–124. Doi:10.22059/JLCR.2017.122755.200. [In Persian]
- Mostafavi, P., Sanaati, M. (2016). The Stylistic Study of a Contemporary Persian Story from Halliday's Functional Approach. *Language and Linguistics*, 12(23), 131–156. [In Persian]

- Mohajer, M., & Nabavi, M. (1997). *Besoye Zaban Shensi Sheer: Rahyafti Naghshgara*. Tehran: Nashre Markaz. [In Persian]
- Naderi, F., Naderi, S. (2017). Ideational and Interpersonal Structure in a Collection of Poems by Farouk Jweideh based on the Functional Approach of Halliday: (A case study of Ten Odes). *Journal of Modern Critical Arabic Literature*, 7(15), 25–54. doi: 10.29252/MCAL.7.13.25. [In Persian]
- Najafi Ivaki, A., Mir Ahmadi, R. (2014). A Stylistic Critique of Abdul Wahab Al-Bayati's Poem "Bakaye to Shams Haziran". *Arabic Language and Literature*, 6(10), 167–195. doi: 10.22067/JALL.V6I10.41028. [In Persian]
- Rezai, H., Alipur, M. (2013). A Study of the Reading Passages from "Farsi Biamuzim" Based on Halliday's Seven Functions of Language. *Journal of Persian Language Teaching to Non-Persian*, 1(2), 63–79. doi: JR_JTPSOL-1-2_007. [In Persian]
- Roshanfekar, K., Esmaili, S. (2014). Comparative Study of Nostalgia in Abd-Al Wahhab Baiaty and Shafie Kadkani Poetry. *Comparative Literature Research*, 2(2), 27–55. doi: CPLC01_028. [In Persian]
- Satari, R., Haghighi, M. (2016). Investigating the Techniques of Creating Coherence in Qaisar Aminpour's Poems based on Halliday's Linguistic Theory. *Literary Arts*, 1(14), 101–118. doi: 10.22108/LIAR.2016.20557. [In Persian]
- Sarbaz, H., Jafari, J., Sahraro, H. (2017). A Comparative Study of Poverty in the Poetry of Abdolvahab Bayati and Iraj Mirza. *Journal of Comparative Literature*, 9(16), 65–86. doi: JR_JCTK-9-16_004. [In Persian]
- Sherkat Moghadam, S. (2009). Comparative Literature Schools. *Comparative Literature Studies*, 3(12), 51–71. doi: JR_JCTK-9-16_004. [In Persian]
- Ya Haghi, M. (2010). *Farhang Asateer V Dastanvarehha Dar Adabiat Farsi*. Tehran: Farhang Maaser. [In Persian]
- Younesi Rostami, M., Hadipoor, H., Khooshe Cheen, A. (2014). Manifestation of Nature in the Poems of Mohammad Reza Shafiei Kadkani. *Persian language and literature of Sanandaj Azad University*, 6(19), 139–164. [In Persian]

استناد به این مقاله: جمالی، عبدالمجید و میرزانی، محمدرضا. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی تراژدی حلاج در شعر شفیع کدکنی و عبدالوهاب بیاتی از منظر فرانقش اندیشگانی. *متن پژوهی ادبی*، ۲۶(۹۳)، ۲۰۹–۲۳۲. doi: 10.22054/LTR.2020.44349.2750



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.